

هشدار!

(...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعا می کنند همه برای خودشان است...

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



آیت الله جوادی آملی:

جامعه را باید با
احترام اداره کرد
نه با ترحم

صفحه ۱۲



دیبرکل مجمع تقریب

مذاهب اسلامی تأکید کرد:

همت مضاعف، راه
تحقق اهداف انقلابی در
جهان اسلام

صفحه ۳

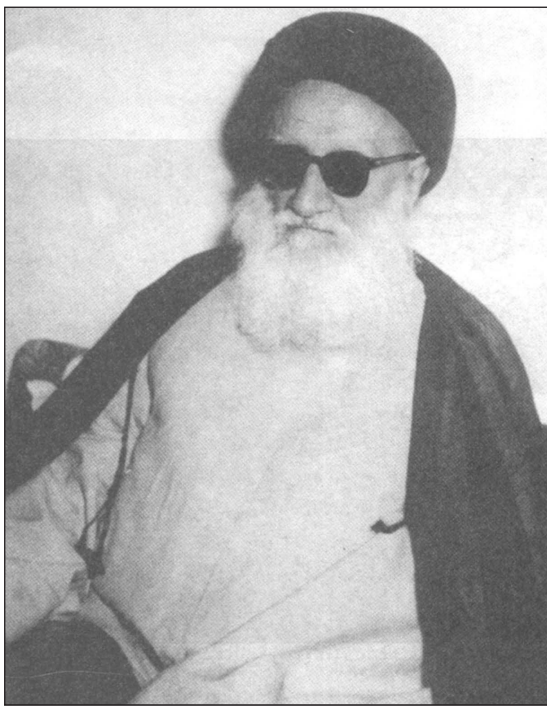


حجت الاسلام والمسلمین

نعمانی:

مکتب شهید صدر
بر گرفته از فرهنگ
اهل بیت است

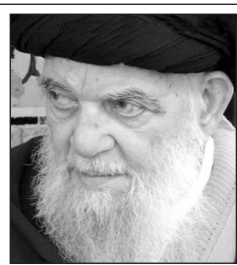
صفحه ۵



متن سخنرانی استاد خسرو شاهی
در کنفرانس بزرگداشت علامه شهرستانی

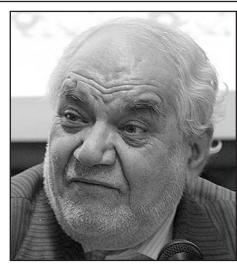
صفحه ۶

حضرت آیت الله سید
عزالدین حسینی زنجانی:
تفسیر قرآن، محور
درس های حوزه
قرار گیرد



صفحه ۱۲

غلامرضا اعوانی:
ایران بدون
اندیشمندان اسلامی
دستخوش طالبانسیسم
می شد



صفحه ۱۰

تأثیر مکتب
کاظمین
در ایران

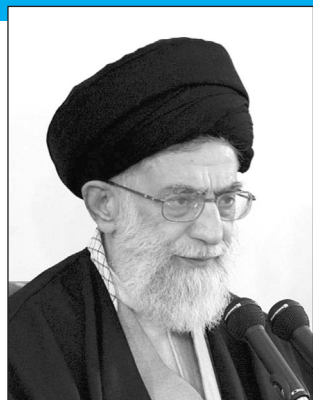


حجت الاسلام والمسلمین جعفریان

صفحه ۹

رهبر انقلاب:

تقلید لهجه قومیت ها از باب تمسخر حرام است



نفهمیدیم بالاخره کجایی است، نگفت
آخرش هم که کجایی است؛ گفت من
ایرانی هستم.

پس بنابراین گاهی تقلید لهجه به
عنوان تمسخر نیست. کما این که
تقلید لهجه ی یک فرد هم به عنوان
تمسخر نیست. یک عمل شیرینی
است. خود آن فرد هم گاهی می نشیند
و تماشا می کند که تقلیدش را دارند
می کنند. خودش هم می خندد،
خوشش می آید. پیداست که پس
تمسخر نیست. این از محل کلام
خارج است. آن جایی که قصد،
استهزاء باشد، تمسخر باشد، آن جا
می شود محرم.

لهجه ی یک شخصی را به عنوان اینکه
لهجه ی او، لهجه ی عموم است - تقلید
بکند. این صور مختلفی دارد. همه ی
اینها محرم است. منتها تفاوتش این
است که اگر غرض او لهجه ی عموم
باشد، این میشود اهانت به همه ی آن
جمعیت؛ که خوب طبعاً آثار خاص
خودش را دارد. مثلاً فرض بفرمایید اگر
بخواهد استحلال بکند، بایستی از
یکایک اینها استحلال بکند. آنجایی که
یک نفر باشد، نه، از یک نفر استحلال
می کند. این بحث عیجوتی است.

اگر چنانچه نه، تمسخر وجود
نداشت، این از محل کلام خارج است.
گاهی از این تقلیدها انجام می گیرد، اما
هیچ قصد تمسخری هم نیست. یک
وقتی چند سال قبل از این، در رادیو
یک گوینده ای تقریباً تمام لهجات ایران
را در یک برنامه ی رادیویی بیان میکرد!
بعد هم ما آن شخص را دیدیم. گفتیم
بالاخره تو کجایی هستی؟! چون هم
ترکی را مثل خود ترکها حرف می زد
که ما می فهمیدیم، هم مشهدی را مثل
خود مشهدی ها حرف می زد!

ضمناً در پرتو، به این نکته هم توجه
داشته باشید.

این مسلماً حرام است. در حرمت
این عمل هیچ شکی نیست. لکن
غیبت نیست. چون قیودی که در
غیبت ذکر شد - که مقوم معنای غیبت
محرم شرعی است - در این جا وجود
ندارد. یکی از قیود، مستور بودن بود.
خب، این مستور نیست. علاوه بر این
که عیب نیست اصلاً. کسی این را به
عنوان عیب ذکر می کند، ولی اصلاً
عیب نیست! بنابراین وقتی عیب نبود،
پس غیبت نیست. مثل این است که
مثلاً بگویند: آقا عمامه سرش است؛
این "عمامه به سر بودن" عیب نیست.
ذکرش بنابراین غیبت نیست. علاوه بر
این که امر ظاهری است، امر واضحی
است. پس تعریف غیبت بر این صدق
نمی کند. اما مسلماً حرام است.

این از باب تمسخر و از باب
استهزاء و اینهاست. اینجا دیگر فرقی
نمیکند که علی نحو عام استغراقی مورد
نظرش باشد؛ یا نه، مثلاً فرض کنید فرد
خاصی را مورد نظر قرار بدهد و

آیا غیبت محسوب می شود یا نه؟
حالا این را هم من به شما عرض

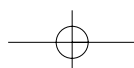
بکنم؛ غالب این شهرهایی که لهجه های
آن ها تقلید می شود، شهرهایی هستند
که دارای مردم غیرتمندی هستند که در
حوادث مهم صد سال پیش، در مقابل
دشمنان و مهاجمین ایستاده اند. این
تصادفی نیست. این تقلید هم سابقه
ندارد؛ یعنی توی هیچ یک از این
کتاب های ادبی و طنز و غیره، ما ندیدیم
که یک حرفی باشد که نشان دهنده ی
تقلید لهجه باشد. این مال همین اواخر
است؛ یعنی مثلاً از صد سال پیش به این
طرف؛ یعنی از وقتی که کشور ما در
مواجهه ی با این دشمنی ها قرار گرفته.
یکی از مناطقی که ایستادگی سرسخت
کرده، مناطق شمال است، منطقه ی
گیلان؛ یکی از مناطق، منطقه ی خراسان
است؛ یکی از مناطق، مناطق آذربایجان
است. اینها آن جاهایی هستند که
مردمش سرسختی و سلحشوری نشان
دادند؛ اتفاقاً سعی شده است که
همین ها از لحاظ لهجه در بین مردم
سبک بشوند. یعنی تقلید می شود. پس

حضرت آیت الله خامنه ای در
جلسه درس خارج فقه که در روز ۳۱
فروردین ماه برگزار شد، در ذیل بحث
"غیبت" با اشاره به رواج تقلید لهجه ی
اقوام ایرانی از سوی برخی، این کار را
مصادق "غیبت" ندانستند لیکن تأکید
کردند که چنانچه این کار از باب
تمسخر باشد، "حرام" است.

ایشان همچنین یادآور شدند:
غالب شهرهایی که لهجه های آن ها
تقلید می شود شهرهایی هستند که
مردم غیرتمند آن ها در حوادث مهم
صد سال گذشته در مقابل دشمنان و
مهاجمین ایستاده اند و این عمل
تصادفی نیست.

پایگاه اطلاع رسانی حضرت
آیت الله خامنه ای بخشی از متن و
صوت بیانات رهبر انقلاب در این
جلسه را به دلیل جنبه ی عمومی و
اجتماعی آن، منتشر می کند.

متن این سخنان به این شرح است:
متأسفانه یک کار زشتی در بین
مردم رایج است که از لهجه های
بعضی از ولایات تقلید می کنند؛ این



دوستانه‌ای با بسیاری از علمای اهل سنت در بلاد عربی داشت و مکاتباتشان با آنها، نشان دهنده روشن بینی و دوراندیشی علامه شهرستانی در ضرورت همکاری و تعاون بین علمای اسلامی است.

بخشی از مکاتبات علامه شهرستانی با شخصیت‌های برجسته و علمای مذاهب و اندیشمندان و مستشرقان و دگراندیشان در کتاب «هبة الدین الشهرستانی منهجه فی الاصلاح والتجدید و کتابه التاریخ» چاپ بغداد، دارالشؤون الثقافیه به سال ۱۴۲۹ هجری، نقل شده که در بخش اسناد کتابخانه عمومی علامه شهرستانی در صحن کاظمین - مکتبه الجوادین العامه - نگهداری می‌شود و همچنین متن نامه‌های شخصیت‌هایی چون شیخ طنطاوی جوهر (از الازهر) و شیخ محمد مصطفی المرغی (مفسر معروف و امام جماعت مسجد بزرگ الازهر) و استاد امام یحیی (رهبر زیدیه در یمن) ناجی السویدی، زکی صفوت، عباس محمود العقاد (از مصر) محمد شکر الالوسی از علمای معروف عراق و دعوت وی برای دیدار رفع سوء تفاهم‌ها: با شیخ محمدرشید رضا (صاحب تفسیر المنار) و دیگران... در همان مرکز موجود است که امید می‌رود پس از تشکیل نخستین کنفرانس علمی بزرگداشت علامه شهرستانی، همراه مجموعه کامل آثار ایشان، چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

روش اصولی علامه شهرستانی در راستای اهداف تقریب بین مذاهب اسلامی، علاوه بر نوشتن و نشر مقالاتی در مجله «رسالة الاسلام» چاپ قاهره و نشریات اسلامی دیگر، در بلاد عربی و ایران، تألیف و نشر کتاب‌ها و رساله‌هایی بود که در ریشه‌زدایی از مبانی فکری فتنه‌ها و ایجاد اختلاف‌ها در بین علما و پیروان مذاهب اسلامی نقش اساسی داشته است و در واقع محتوای معتدل این آثار عوامل و انگیزه‌های اختلاف بین شیعه و اهل سنت را از میان برمی‌داشت؛ و مراجعه به فهرست رساله‌ها و مقالات منتشرشده علامه شهرستانی، در این زمینه به خوبی نشان می‌دهد که او در راستای برقراری روابط حسنه استوار با برادران اهل سنت، از طریق رفع شبهات و دفع اتهامات، کوشا و پویا بوده است.

به عنوان نمونه می‌توان اشاره کرد که علامه شهرستانی با توجه به مسائل خلافی مانند بحث خلافت و مسئله حلول و اتحاد و موضوع تحریف قرآن، و مسئله نماز جمعه و یا نقل جنائز و غلو در مورد اهل بیت علیهم السلام و یا شبیه‌سازی در مراسم عزاداری‌های حسینی و امثال این‌ها، مقالات و رساله‌های زیر را یک قرن پیش تألیف و منتشر ساخته است: توحید اهل التوحید، تنزیه التنزیل او تنزیه المصحف الشریف من النقص والنسخ والتحریف، الخلاف فی الخلافه، وجوب صلوة الجمعة، خیر جواب فی الرد علی فصل الخطاب، فتح الباری فی جواز تقبیل الایدی والاعتاب، الغالیه فی رد المغالیه، شبهات وحلول، تحریم نقل الجنائز، اجتهاد الصحابه حول المتعه، التنبه فی تحریم التشبه و... علاوه بر اینها، در میان مجموعه ۳۵۰ اثر و رساله‌ای که از علامه شهرستانی باقی مانده است، شاید دهها اثر دیگر، در مورد شبهات و رفع اشکالات و توضیح نظریات شیعه است که این اقدام، در واقع راهگشای علمی و منطقی در مسیر تقریب بین مذاهب اسلامی است.

به نوشته دکتر اسماعیل طه الجابری، علامه شهرستانی در همین راستا در یکی از مجلدات مجموعه سیزده گانه الدلائل والمسائل، بحثی را تحت عنوان فضل الشیخین مطرح ساخته و در

ثغورالمسلمین* منتشر گشته، چنین است: «بسم الله الرحمن الرحیم/ همه شما از گرفتاری‌هایی که برای مردم عراق و ایران، به علت غفلت‌ها در قبال دفاع از هجوم کفار بر سرزمین‌های ما وارد شده، آگاه هستید. در این میان وظیفه الهی شما آن است که پیر و جوان، مرد و زن برای دفاع از میهن در برابر کفار قیام کنید و به وعده‌های فریبنده و دروغ دشمن توجه ننمائید و به طور متحد علیه کفار جهاد کنید و اگر کسی توان جسمانی ندارد، با مال و سلاح مجاهدان را یاری دهد که همان پاداش مجاهد را عدل‌الله دارد.

برادران! فرصت را از دست ندهید. در این نبرد یکی از دو نیکی در انتظار ماست: پیروزی یا شهادت.

مسلمانان! مانند شیران خشمگین به پا خیزید و همه نیروهای مسلمان باید متحد شوند که دستور قرآن است و بدین وسیله، کفار را از میهن پاک خود بیرون کنید که بی تردید در نزد خداوند و رسول اکرم و ائمه اطهار سلام‌الله علیهم، سربلند و با افتخار خواهید بود. نجف اشرف. خادم الشرع المبین السید الشهرستانی هبه‌الدین*.

علاوه بر دهها اعلامیه و نامه و پیام، در یک تلگراف به فرمانده کل نیروهای عثمانی که در عراق علیه نیروهای انگلیسی می‌جنگیدند، با امضای علمای معروف در مورد سلاحهای موجود در نجف، می‌فرستد که متن آن چنین است: «بسمه تعالی - عالیجناب فرمانده کل، مؤید باشد.

تلگراف شما رسید. از اخبار انضباط و پیروزی سربازهای اسلامی مسرور شدیم. به نام اسلام از کوشش‌های اسلامی و همت شما تشکر می‌کنیم و از خداوند برای خود و شما پیروزی بر کفار را خواستاریم در مورد تجهیزات نجفی‌ها پرسیده بودید در حضور فرماندار، موضوع روشن است. تفصیل را از او بخواهید، به شما اطلاع خواهد داد. شیخ الشریعه، مصطفی کاشانی، کلیددار روضه حیدری، بحرالعلوم زاده محمدرضی، جواد صاحب جواهر، مهدی

الخراسانی، هبه‌الدین الشهرستانی، عبدالکریم الجزائری، آیت‌الله زاده الرشتی اسحاق*.

آیت‌الله علامه شهرستانی که خود شخصاً همراه مجاهدان در جنگ با اشغالگران انگلیسی شرکت داشت، طی یادداشت‌هایی اسرار نبرد شعیبه را توضیح می‌دهد که خوشبختانه این یادداشت تحت عنوان «معرکه الشعیبه» در سال ۱۴۲۹ق/ ۲۰۰۸م از طرف «دارالضیاء» در نجف اشرف به چاپ رسیده است.

در جنگ معروف «توره العشرین» که به رهبری مراجع عظام نجف و علمای کربلا و کاظمین علیه ▲ تلگراف علمای عظام به فرمانده کل نیروهای عثمانی در عراق را نخست شیخ ضیاءالدین در عراق ترجمه نمود و بعدها مرحوم سید عباس اهری در قم... و همچنین کتاب «الهنیه و الاسلام» را چند نفر ترجمه کرده‌اند که در عراق و ایران انتشار یافته است. اجازه می‌خواهم که نخست به اهمیت این کتاب در یک قرن پیش، اشاره کنم. علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب معروف الذریعه، درباره این کتاب می‌نویسد: «سید هبه‌الدین در

جعفر کاظمی، شیخ عبدالرزاق الحلوه... البته علامه شهرستانی در کتاب «معرکه الشعیبه» اسرار و اسناد بسیاری در توضیح نبرد در این منطقه را نقل کرده است.

آثار فکری و علمی

در مورد بعد برجسته زندگی علامه شهرستانی که همان بعد فکری - علمی و تألیف و نشر کتاب‌ها و آثار بی‌شمار است، همان‌طور که اشاره کردم، پژوهشگران عرب معاصر تحلیل‌ها و بررسی‌ها و کتاب‌هایی نوشته‌اند و انتشار یافته است و من در اینجا فقط به نکته‌ای که مرحوم علامه آقا شیخ آقا بزرگ تهرانی در «ذاتر المعارف» ارزشمند خود - «تقیه البشر» - آورده است، اشاره می‌کنم.

علامه آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد: «شهرستانی آثار پربهای بسیاری دارد. او درباره بسیاری از علوم اسلامی و در زمینه‌های مختلف، آثاری به نظم و نثر، از خود به یادگار گذاشته است...» علامه تهرانی در موسوعه پراچ دیگر خود الذریعه الی تصانیف الشعیبه* به نقل از فهرستی که خود علامه شهرستانی برای وی فرستاده است، اسامی دهها کتاب و رساله و بحث علمی - تاریخی، فرهنگی را ذکر نموده است که بخشی از آن‌ها به زبان عربی منتشر شده و تعدادی از آن‌ها به زبانهای مختلف، از جمله: فارسی، انگلیسی، هندی، اردو و ترکی و غیره ترجمه و انتشار یافته است.

از جمله کتاب‌هایی که به زبان فارسی ترجمه گشته و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است، کتاب‌ها و رساله‌های زیر است: «معجزه‌های جاودان»، «معارف»، «نهضت حسین (ع)»، «وجوب نماز جمعه»، «ذوالقرنین و سد یاجوج و مأجوج»، «تهج البلاغه چیست»، «اسلام و هیئت»، و... رساله‌های دیگر.

بعضی از کتاب‌های فوق را چند نفر ترجمه و منتشر ساخته‌اند؛ مثلاً کتاب المعارف را نخست مرحوم مهدی حاج سراج انصاری از شاگردان برجسته علامه شهرستانی ترجمه نمود و سپس آقای غلامرضا خلیقی به برگردان آن پرداخت که در قم چاپ شد و «ماهونهج البلاغه»

▲ تلگراف علمای عظام به فرمانده کل نیروهای عثمانی در عراق

را نخست شیخ ضیاءالدین در عراق ترجمه نمود و بعدها مرحوم سید عباس اهری در قم... و همچنین کتاب «الهنیه و الاسلام» را چند نفر ترجمه کرده‌اند که در عراق و ایران انتشار یافته است.

اجازه می‌خواهم که نخست به اهمیت این کتاب در یک قرن پیش، اشاره کنم. علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب معروف الذریعه، درباره این کتاب می‌نویسد: «سید هبه‌الدین در

این کتاب خود به استخراج مبانی هیئت جدید از ظواهر قرآن و حدیث اقدام نموده و در سال ۱۳۲۷ هـ - تالیف آن را به پایان رسانید و در ۱۳۲۸ هـ - به چاپ رسید و به علت نیاز زمان، به سرعت مورد استقبال و توجه قرار گرفت. علامه شهرستانی در این کتاب نخست مسائل فلکی را از دیدگاه دانشمندان پیشین و سپس از نظر هیئت بطلمیوسی و سرانجام از منظر علم هیئت جدید مورد بحث قرار داده و دیدگاه اسلام را، با استفاده از کتاب و سنت - قرآن و حدیث - بیان داشته است.

در واقع می توان گفت که نام سید هب الدین شهرستانی با نام کتاب اسلام و هیئت قرین شده و هنگامی که اسم هب الدین شهرستانی را می آوریم، به طور طبیعی نام کتاب اسلام و هیئت به ذهن تبادر می کند که در آن، همانطور که علامه تهرانی اشاره نموده است در ارائه توافق علم جدید با استدلال به آیات و احادیث در مسئله گیتاشناسی و دلالت اکتشافات علمی جدید در مسئله اسرار جهان هستی و کائنات آسمانی، موفق بوده است.

این کتاب به محض انتشار، در سراسر جهان اسلام با استقبال عمیق و گسترده ای روبرو گردید و

دفتر علامه شهرستانی ده ها نامه و شعر و تقریظ درباره اهمیت این کتاب، از دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان، شرقی و غربی، عرب و عجم، دریافت نمود. جلد اول این کتاب در سال ۱۳۲۸ هـ (یک صد و پنج سال قبل) در چاپخانه "الآداب" بغداد به طبع رسید که در روی جلد آن، شعری در ماده تاریخ چاپ کتاب از استاد محمد السماوی آمده است که می گوید:

ریاض فضل ظلها غمام

و هیئت یجلی بها الظلام

شید فیها هیبة الدین لما

أسسه أبواؤه الاعلام

فلیشکر الاسلام والیورخوا

«هَدَبَتِ الْهَيْئَةَ وَالْإِسْلَامَ»
که مصرع آخر با محاسبه حروف ابجد، مساوی با سال تالیف کتاب، ۱۳۲۷ ق است. این کتاب چندین بار و به قلم شخصیت های معروفی چون: محمدباقر میرزا خسروی - فرماندار غرب ایران - (در سال ۱۳۲۹ ق)، استاد دکتر محمود شهابی (در سال ۱۳۴۰ ق) و استاد اسماعیل فردوس فراهانی (در سال ۱۳۵۶ ق) به فارسی ترجمه شده و بعضی از آن ترجمه ها در همان شصت - هفتاد سال پیش، چاپ و منتشر شده اند؛ اما ترجمه جدیدی که اخیراً صورت گرفته و حداقل اضافاتی به مقدار نصف مجموع مطالب چاپ اول را دارد، از روی آخرین متن عربی کتاب به عمل آمده و ده ها پاورقی مبسوط و مشروح در توضیح مطالب مؤلف محترم و با توجه به آخرین اکتشافات علمی در زمینه نجوم و آسمان شناسی، همراه عکس های جدیدی توسط ما به آن افزوده شده، که در مجموع، ترجمه و اصل کتاب به کلی متفاوت از ترجمه ها و چاپ های پیشین شده و شکل کامل تر و جدیدتری به خود گرفته است.

البته این کتاب که در زمان خود، یکی از مهمترین کتاب ها محسوب می شد - امروزه باید به عنوان عرضه بخشی از تاریخ علم هیئت از دیدگاه یک عالم بزرگوار اسلامی، به علاقه مندان

علم هیئت محسوب گردد.

مراجعه به پاورقی ها و توضیحات ما در بعضی از مسائل مطرح شده در کتاب و دقت در چگونگی و شگفت انگیز بودن این اطلاعات و داده های جدید، به خوبی روشن می سازد که در عصر ما، برای بررسی علم هیئت از دیدگاه اسلام، تالیف کتاب جدیدی، با همکاری دانشمندان علوم اسلامی و پژوهشگران دانش های گونه گون، لازم و ضروری است ... و آنچه ما در این ترجمه تقدیم می کنیم، فقط نشان دهنده گوشه ای از تاریخ قدیمی و اطلاعات پیشین مربوط به این علم، و دیدگاه های خاص یک عالم صاحب نظر، در یک



قرن پیش است و بس!

البته ترجمه جدید این کتاب و نشر آن - برای ششمین بار - هرگز به این معنا نیست که مترجم در همه مسائل مطرح شده، با مؤلف محترم همفکر است و یا همه آرا و نظریات وی را، به طور مطلق می پذیرد، بلکه هدف، تشویق طلاب حوزه های علمیه به بحث و فحص در علم نجوم و هیئت با استناد به آخرین کشفیات درباره پدیده های عظیم و عجیب آسمانی است. که متأسفانه گویا برخلاف حوزه های علمیه پیشین، در عصر ما توجه خاصی به آن مبذول نمی شود و حداقل جزء برنامه های رسمی درسی نیست.

به نظر من اگر در روایات ما آمده است که خداوند را هزار هزار عالم و هزار هزار آدم - غیر از آدم ما بوده است - باید با استناد به همین روایات، در کشف چگونگی این هزار هزار آدم و عالم کوشید. بی تردید نسل های آینده هم تحقیقات کنونی دانشمندان جهان را به مثابه گوشه ای از تاریخ علم هیئت خواهند پذیرفت، و آگاهی های آنها، بسیار فراتر از آن خواهد بود که ما اکنون می توانیم آن را تصور کنیم!

در اینجا برای پی بردن به عظمت جهان هستی، کرات آسمانی و کهکشان ها و ... یک اشاره اجمالی با داده های علمی جدید، بی تناسب نخواهد بود: علم امروز می گوید جهان هستی در نتیجه یک انفجار بزرگ پدید گشت و ماده از آن به وجود آمد؛ ولی این پرسش مطرح می شود: ماده ای که به وجود آمد و پخش گردید، آیا در زمان و مکان، هستی یافت؟ و پاسخ مثبت می دهند که در زمان و مکان پدیدار گشت! انیشتین در اینجا بعد چهارم را که زمان باشد، مطرح می کند.

دانشمندان می گویند انسان وقتی به آسمان نگاه می کند، با چشم غیر مسلح می تواند سه هزار ستاره را ببیند که به دور خورشید می چرخند و مانند خورشید و ماه قابل رؤیت هستند. پیشینیان از این کوکب ها به هراس افتادند و آنان را "خدایان" نامیدند! و به پرستش

آنها پرداختند تا اینکه پیامبران آمدند و آنان را به راه راست رهنمون شدند.

دانشمندان عمر جهان هستی را سیزده میلیارد سال می دانند که از انبوه توده های ستارگان بزرگ تشکیل شده است و صدها هزار میلیون خورشید و ماه در آن وجود دارد؛ ولی عقل این فرضیه را نمی تواند بپذیرد؛ چرا که اگر برای هر ستاره ای اسم خاصی بگذاریم، چه مقدار دقت لازم خواهد بود که نام ستارگان این کهکشان ها را بشماریم؟ دو هزار سال تمام برای شمارش نام آنان وقت لازم خواهیم داشت؛ و از اینجا اهمیتی که قرآن به عظمت آن ها داده روشن می شود: فلا أقسم بمواقع النجوم. و انه لقسم لو تعلمون عظیم.

فاصله بین این ستارگان بزرگ و کهکشان ها بسیار زیاد است. تندروترین موشکی که انسان تاکنون توانسته است بسازد و به فضا بفرستد، می تواند بیست کیلومتر در ثانیه حرکت کند. و با توجه به فاصله کهکشان ها با زمین، هر موشکی که بخواهیم به سوی آنها پرتاب کنیم - منهای

خورشید - صد هزار سال لازم خواهیم داشت تا به مقصد برسد!

نزدیک ترین کهکشان، دارای صد هزار میلیون خورشید یعنی یک صد میلیون مجموعه شمسی است. و خورشید ما که مستقرو ثابت است، اگر حرارتش بیشتر شود، کره زمین با فاجعه ای روبه رو خواهد شد.

در کهکشان "عقرب" ستاره یا خورشیدی وجود دارد که ۲۷ میلیون بار، بزرگتر از خورشید ماست! هر نور کم سویی هم که ما در آسمان می بینیم، پرتوی از یک جهان است و دانشمندان مدعی هستند که در جهان هستی بزرگ، هزار هزار میلیون کهکشان وجود دارد پس جایگاه کره ما و انسان ها در قبال این جهان هستی چه می تواند باشد؟ (آنتم آشد خلقا أم السماء بناها). پس نباید اصولاً فکر کنیم که کره زمین، حجم قابل اعتنایی در برابر کرات، ستاره ها، خورشیدها و کهکشان ها دارد!

نور با سرعت ۳۰۰ هزار کیلومتر در ثانیه در حرکت است، یعنی نور هفت بار و نیم در هر ثانیه به دور کره زمین می چرخد! یعنی نوری که امروز ما در آسمان رؤیت می کنیم، در واقع قبل از یک میلیون سال نوری، از آن ستاره یا خورشید ساطع شده تا به ما رسیده است!

خود ماه نوری ندارد و سرد است و به دور کره زمین می چرخد و کره زمین، دنباله رو خورشید است. ستارگان دیگر، هر کدام قمرهای ویژه خود را دارند؛ ولی کره زمین فقط یک قمر (ماه) دارد که در هر ۲۹ روز و نیم در ماه، به دور آن گردش می کند! کره زمین پنجاه برابر بزرگتر از ماه است و خورشید یک میلیون بار از زمین بزرگتر است...

این اشاره ای به اکتشافات و نتیجه بررسی های دانشمندان علوم نجوم و هیئت و آسمان است که با استفاده از محاسبات دقیق علمی و پس از مراجعه به نتایج به دست آمده از عسکرداری ها و اکتشافات عجیب دستگاه هایی چون "هابل" و یا ماهواره های فضایی و موشک های فضاپیما و هزاران وسیله

علمی دیگر، به این نتایج رسیده اند.

این نتایج، بی تردید همه دانستنی ها درباره جهان هستی بزرگ نیست... پس آنچه در گذشته به آنها اشاره شد و در لسان قرآن و احادیث آمده در واقع، برای تقریب ذهن افراد و متناسب با درک و فهم انسان عصر نزول قرآن و صدور روایات می باشد و فقط به عنوان اشاره به عظمت خلقت و هستی است، و گرنه میدان و بستر گسترده تر برای ارزیابی و یافت و درک حقایق فزون تر، همواره باز بوده است. همان طور که نظریات امروزه دانشمندان، در واقع اشاره به گوشه هایی از دانسته های آنان درباره جهان بزرگ هستی و پیدایش خلقت و انسان و آسمان ها و کهکشان ها است: لله ملک السماوات و الارض و الله علی کل شی قدیر ان فی خلق السماوات و الارض و اختلاف الليل و النهار لآیات لاولی الالباب.

با توجه به این نکته ها، فضلا و علمای ما در حوزه های علمیه باید با مراجعه تحقیقی دقیق تر و علمی تر به آیات و روایات درباره کرات آسمانی و کهکشان ها و ستاره ها و کره زمین و الف الف عالم و الف الف آدم به نتایج درخشان تری در مورد پیشگویی ها و تبیان های آیات و احادیث برسند و این نکته را فراموش نکنند که آنچه در زبان علوم نجوم و هیئت با استناد به آیات و روایات، مطرح شده همگی برای تقریب ذهن انسان ها و متناسب با عصر و زمان بوده است نه همه واقعیت ها... یک بار دیگر باید گفت: فلا أقسم بمواقع النجوم. و انه لقسم لو تعلمون عظیم!

پی نوشت:

۱. آخرین کشف علمی در زمینه گیتاشناسی چنین است: ستاره شناسان انگلیسی با کمک تلسکوپ آپکس کهکشان جدیدی را کشف کرده اند که قادر است در هر سال ۲۵۰ خورشید تولید کند. به گزارش خبرگزاری مهر، محققان دانشگاه دورهام انگلیس با کمک تلسکوپ آپکس واقع در کوه های آند و ارتفاع ۵۰۰۰ متری از سطح دریا موفق شدند این کهکشان جدید را که SMM J ۲۱۳۵ - ۱۰۲ نام دارد کشف کنند.

این کهکشان آنچنان دور است که وقایعی که اکنون در آن مشاهده می شوند ۱۰ میلیارد سال قبل رخ داده اند. به این دلیل این ستاره شناسان موفق شده اند برای اولین بار اندازه گیری مستقیمی از ابعاد و نور مناطق تشکیل ستارگان در جهان نخستین (فقط حدود ۴ میلیارد سال پس از بیگ بنگ) به دست آورند. این دانشمندان در این خصوص اظهار داشتند: ما دریافتیم که SMM J ۲۱۳۵ - ۱۰۲ در حال تولید ستارگان با یک ریتم برابر با حدود ۲۵۰ خورشید در هر سال است.

بر اساس گزارش نیچر، این کهکشان جدید به دلیل جرم بسیار زیادی که دارد حتی از فاصله ۱۰ میلیارد سال نوری نیز بسیار درخشان دیده می شود. بزرگنمایی ۳۲ برابر تلسکوپ آپکس، جزئیات بی سابقه ای را از ابعاد و جرم این کهکشان ارائه کرده است.

نتایج این رسدها حاکی از آن است که این کارخانه های ستاره سازی از نظر ابعاد بسیار شبیه به ابرهای تشکیل دهنده ستارگان در کهکشان راه شیری هستند، اما ۱۰۰ برابر درخشان تر از ابرهای حاضر در کهکشان راه شیری به نظر می رسند. این کشف نشان می دهد که تشکیل ستارگان در اولین قاره های زندگی کهکشان ها فرآیندی بسیار نیرومند بوده است. (اطلاعات ضمیمه، ص ۷ مورخ ۸۹/۱۵).

تأثیر مکتب کاظمین در ایران

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان در کنفرانس مرحوم سید هبت الدین شهرستانی

تنزیل^۱ در دفاع از قرآن و رد مسأله تحریف به فارسی درآمد و به سال ۱۳۷۰ق منتشر شد. متن فارسی کتاب الهیة والاسلام نیز به صورت بخش بخش در نشریه‌ای در اراک منتشر شد و پس از آن به همت حاج سراج انصاری، متن کامل با مقدمه‌ای در شرح حال شهرستانی در سال ۱۳۱۶ش در نجف منتشر شد و بعدها در ایران انتشار یافت. کتاب المعارف العالیة^۲ شهرستانی نیز توسط حاج سراج ترجمه و در نشریه مسلمین به چاپ رسید. رساله وی درباره نماز جمعه نیز توسط ابوالقاسم سبحان ترجمه و منتشر شد.

ج: تربیت برخی از شاگردان: حضور چند طلبه ایرانی در جمع شاگردان و همراهان سید هبت الدین شهرستانی، سبب شد تا این طلاب تجربه‌های موجود در کاظمین را به ایران منتقل کرده، قدم‌های تازه‌ای هم در شکل و هم محتوای تبلیغات اسلامی و حوزه دفاع از دین با ابزارهای مدرن بردارند. در اینجا، به اجمال، به معرفی سه نمونه از شاگردان سید هبت الدین شهرستانی که در ایران فعال بودند، می‌پردازیم:

۱- حاج سراج انصاری:

یکی از شخصیت‌های برجسته ایرانی که تحت تأثیر روش و منش مرحوم شهرستانی قرار گرفت، مرحوم حاج سراج الدین انصاری (۱۳۴۰ - ۱۲۷۵ش) بود. وی از سال ۱۳۲۲ - ۱۳۱۵ش (۱۳۶۲ - ۱۳۵۴ق) در کاظمین اقامت داشت و با مرحوم سید هبت الدین شهرستانی همکاری می‌کرد و از تجربه‌های او بهره می‌برد.

حاج سراج در سال ۱۳۱۶ش/۱۳۵۶ق نخستین بار ترجمه فارسی کتاب الهیة والاسلام را که به صورت بخش بخش در ایران ترجمه و در نشریه‌ای منتشر شده بود، به طور کامل در نجف به چاپ رساند. او پس از بازگشت به ایران، چندین نشریه به راه انداخت و بیشترین همکاری را با یکی از بهترین نشریات دینی ایرانی طی سالهای ۱۳۲۸ - ۱۳۲۲ با نام آیین اسلام داشت. تردیدی نیست که وی را باید متأثر از مکتب کاظمین و شخص شهرستانی دانست. اندیشه‌های نوگرایانه او در عین تدین به اسلام و مکتب تشیع، می‌بایست در همین مکتب کاظمین و زیر نظر چهره شاخص آن سید هبت الدین شکل گرفته باشد.

حاج سراج انصاری در جایی در کتاب^۳ شیعه چه می‌گوید؟ (ص ۵۴) از سید هبت الدین شهرستانی به عنوان استاد بزرگوارم یاد کرده است. وی مفصل‌ترین شرح حال را برای شهرستانی در آیین اسلام سال ۱۳۲۳ نوشت. بخشی از آن همان شرح حالی بود که وی در مقدمه ترجمه فارسی کتاب اسلام و هیأت منتشر کرده بود. جالب است بدانیم که احمد کسروی در شکوائیه علیه حاج سراج در ایران، او را نوکر سید هبت الدین شهرستانی نامید! (شیعه چه می‌گوید، ص ۱۵۵)

حاج سراج هر کجا و به مناسبت، از اندیشه‌های شهرستانی استفاده کرده و آنها را ترویج می‌کرد. از جمله در همین نشریه آیین اسلام، در باره اصل دوم متمم قانون اساسی و لزوم اجرای آن دایر بر لزوم نظارت پنج تن از مجتهدین بر مصوبات مجلس شورای ملی، به استفسار نظر آیات و مراجع پرداخته و ضمن آنکه از آیات مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، میلانی، فیض قمی، و نیز سید هبت الدین

می‌آمد. طبیعی است که یکی از عوامل، امکاناتی است که در بغداد وجود داشت.

سید هبت الدین در کربلا و نجف تحصیل کرد و در زمره شاگردان آخوند خراسانی و نزدیک به وی بود. مکتب آخوند، برخلاف مکتب مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی، مکتبی مدافع قانون اساسی و حرکت مشروطه خواهی در ایران به حساب می‌آمد و افرادی که متعلق به مکتب مزبور بودند، به طور معمول از حرکت‌های اصلاحی حمایت می‌کردند. فعالیت‌های سیاسی وی در انقلاب^۴ عشرين^۵ عراق، وی را با دیدگاه‌های سیاسی و دنیای جدید و الزامات آن بیشتر آشنا کرده و همراهی اش با شمار زیادی از علمای وقت عراق، او را در سیاست نیز آبداده کرده بود.

اما به لحاظ فکری، او در ۲۷ سالگی نخستین شماره نشریه العلم را در سال ۱۳۲۸ق انتشار داد؛ زمانی که همچنان جنبش مشروطه خواهی با اختلاف نظرهای ویژه خود، در ایران فعال بود. همان زمان کتاب مهم^۶ الاسلام و الهیة را منتشر کرد که آن نیز گامی مهم در ترویج نگره‌های جدید در حوزه اصلاح طلبی دینی به شمار می‌آمد.

فعالیت‌های مرحوم شهرستانی بین نجف و کاظمین و بیشتر در کاظمین بود. وی به سال ۱۳۶۰ق اقدام به تأسیس کتابخانه عمومی جوادین - علیهما السلام - در کاظمین کرد و در کنار آن به تربیت شماری از طلاب پرداخت که علاقه‌مند به کارهای تبلیغی نو و استفاده از ابزارهای فرهنگی جدید مانند مطبوعات بودند.

شهرستانی خود در ایران شناخته شده بود و به سال ۱۳۲۳ش/۱۳۶۳ق حاج سراج انصاری که از شاگردانش در ایران بود، شرح حال مفصلی از وی نوشت که در آیین اسلام انتشار یافت. وی مورد ستایش بسیاری از نخبگان ایرانی در آن روزگار بود که از آن جمله می‌توان به کلماتی که عطاء الله شهاب پور در باره وی در مقدمه کتابی از شهرستانی با عنوان راهنمای یهود و نصارا یا بیبلیها نوشت، اشاره کرد. به طور کلی تأثیر

مرحوم شهرستانی در ایران از سه طریق بود: الف: رفت و آمد به ایران از جمله در سالهای ۱۳۶۳، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۳ق. در این سفرها، به جز دیدار با مقامات ایرانی، با توده‌های مردم و نیز عالمان دیدار داشت و از این طریق، روی آنان تأثیر می‌گذاشت. در این باره باید مطلبی مستقل نوشت. در سفر سال ۱۳۷۳ق بود که در مسجد جامع اصفهان نماز عید قربان را اقامه کرد و گزارش و تصاویر آن در نشریه آیین اسلام^۷ (سال ۸، ش ۳۷) آمده است. در این دهه، مروج شهرستانی و اندیشه‌های وی در ایران، نشریه آیین اسلام بود که می‌توان اخبار مربوط به ایشان را طی سالهای ۱۳۲۸ - ۱۳۲۳ش را ملاحظه کرد.

ب: ترجمه آثارش به فارسی:

یکی از نخستین آثار او که به فارسی درآمد، ترجمه‌ای از کتاب^۸ النهضة الحسینیة بود که در سال ۱۳۱۱ش/۱۳۵۰ق با عنوان^۹ قیام مقدس یا انقلاب همایون^{۱۰} در تهران منتشر شد. کتاب تنزیه التنزیل^{۱۱} اثر دیگری از وی بود که با عنوان تنزیه



انسان نمی‌داند در خانه با اینها چه کند و کجا نگهداری کند!

اولین سخنران بنده بودم که مقاله خود را به عربی خواندم. البته در بین دقایقی به عربی توضیحاتی دادم. از نظر خودم بد نبود. شب آقای هلال ناجی گفت: عربی شما خوب بود و گهگاه لکنتی داشتی که باید درستش کنی. هلال ناجی کارهای زیادی در حوزه ادبیات عرب کرده و یکی از آخرین آثارش، کتابی با عنوان^{۱۲} مؤلفات الثعالبی^{۱۳} است. مقالات زیادی از وی در مجله^{۱۴} المورد و دیگر مجلات عراقی سه چهار دهه اخیر منتشر شده است.

بعد از صحبت بنده، آقای مسجد جامعی صحبت کرد و بعد از لحظاتی استراحت و نماز ظهر، دو سخنرانی بود که یکی دوست ما آقای سید هادی خسروشاهی بود که در باره ترجمه کتاب اسلام و هیأت صحبت کرد و مطالبی در توضیح آنچه در این کتاب آمده، بیان نمود. برای ناهار به هتل برگشتیم. متن سخنرانی من به فارسی این است:

نقش فکری هبت الدین شهرستانی در ایران

تأثیر اندیشه‌های دینی - مذهبی و سیاسی عراق در ایران، هم نشأت گرفته از تولیدات فکری نجف و بغداد بود و هم آنکه عراق به ویژه بغداد و نجف، به عنوان واسطه‌ای برای نشر افکاری که در مصر و سوریه انتشار می‌یافت، در ایران عمل می‌کرد. روال کار چنان بود که از نجف و بغداد، کتاب^{۱۵} و مجله^{۱۶} و عالم^{۱۷} و نویسنده به ایران و به طور خاص تهران و قم انتقال می‌یافت. داستان این تأثیر گذاری را باید در مقالی مستقل مورد بحث قرار داد. آنچه در اینجا مورد توجه ماست، تأثیری است که شخصیت آیت الله سید هبت الدین شهرستانی (۱۳۰۱/۱۳۸۴م - ۱۳۸۶ق/۱۹۶۷م) به عنوان محور مکتب فکری کاظمین در ایران برجای گذاشت.

در باره کاظمین، به اجمال می‌توان گفت که این شهر، به عنوان شهری مقدس و شیعه نشین در قرون متمادی محوری برای فعالیت‌های فکری شیعه بوده است. مقصود ما در اینجا، اهمیت فکری این شهر در اوائل قرن بیستم میلادی تا دهه ۶۰ است؛ دورانی که مرحوم شهرستانی و شماری دیگر، از این پایگاه، در کنار نجف، برای صدور افکار اصلاحی به ویژه در حوزه فکری تشیع، استفاده می‌کردند.

همان طور که نجف یک مرکز علمی - فقهی و در عین حال، محل انتشار آثار علمی شیعه بود، کاظمین در مرتبه‌ای پایین تر، اما متفاوت و بیشتر در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی، مرکزی برای فعالیت‌های فرهنگی و انتشاراتی شیعه به حساب

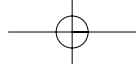
اشاره: عصر روز نهم فروردین ۱۳۸۹ قرار پرواز به نجف بود. هدف شرکت در کنفرانس مرحوم سید هبت الدین شهرستانی از علمای برجسته عراق در دوره پادشاهی بود که آثار فراوانی از وی برجای مانده و از مصلحان عصر اخیر شیعه در عراق است. همراهان که در فرودگاه زیارت کردیم، آقایان سید هادی خسروشاهی، مهدی محقق، سید محمدرضا جلالی، شیخ حسون تبریزیان و شیخ رضا مختاری بودند.

دوستانی که در اینجا حاضرند، هر کدام به نوعی در باره مرحوم شهرستانی کار کرده‌اند. کتاب^{۱۸} سید هبت الدین را که عبدالستار الحسنی نوشت، بیشتر به تشویق و همراهی آقای جلالی بود. آقای مختاری این کتاب را در موسسه تراث^{۱۹} الشیعه چاپ کرد. آقای سید هادی خسروشاهی هم از قدیم علاقه‌مند به کارهای مرحوم شهرستانی بوده و کتاب^{۲۰} اسلام و هیأت را باز ترجمه و منتشر کرده که اخیراً هم^{۲۱} بوستان کتاب دوباره آن را چاپ کرده است. بنده هم در کتاب^{۲۲} جریانها و سازمانهای مذهبی چند صفحه‌ای در باره ایشان نوشته‌ام و به مناسبت در کتابی که در باره حاج سراج انصاری نوشتم، در باره ایشان شرحی داده‌ام. طی روزهای اخیر، مقاله کوتاهی در باره تأثیر مرحوم شهرستانی در ایران نوشتم که در پایان همین گزارش درج خواهیم کرد. در هویما با دکتر مهدی محقق کنار یکدیگر بودیم و ایشان طبق معمول داستانهای متوالی و فراوانی از موضوعات متنوع نقل کردند که جالب بود.

بالاخره هویما پرواز کرد، بعد از یک ساعت و نیم وارد فرودگاه نجف اشرف شدیم. پای هویما افرادی بودند که کاملاً سر را پوشیده بودند. یکی از دوستان گفت اینها همکاران نزدیک امریکایی‌ها هستند و برای اینکه شناخته نشوند، این طور با کلاه مخصوص تمامی سر تا گردن را پوشیده‌اند. بعداً دوستی گفت که اینها از یک شرکت امنیتی از جنوب افریقا هستند که قرارداد برای حفظ امنیت فرودگاه دارند اما اینکه چرا پوشش این جوری داشتند، متوجه نشدم.

شرکت در همایش

سپس ماشین حامل ما به محل قدیم دانشگاه یا به عبارتی فعلی رفته و در سالن آمفی تئاتر آن برای شروع مراسم حضور یافتیم. این سالن یک بار در زمان انتفاضه (۱۹۹۱) و بار دیگر در زمان اشغال امریکایی‌ها در آتش سوخته و دوباره بازسازی شده است. ابتدا قرآن خوانده شد. سپس رئیس دانشگاه و بعد از آن آقای مهندس شهرستانی سخنانی ایراد کردند. سخنان وی احساسی بود و برخی از خاطرات خود را از سید هبت الدین بیان کرد. پس از آن آقای رحیمی از طرف میهمانان عراقی و آقای مهدی محقق از طرف میهمانان ایرانی مطالبی بیان کرد. پس از آن، جلسه رسمیت یافت. پیش از شروع برنامه اصلی، هدیه‌ای به برخی از میهمانان و از جمله تقریباً همه ایرانی‌های آمده از ایران دادند که یادبودی از این مؤتمر در یک جعبه زیبا بود.



فعالیت داشت، اندیشه‌هایی را از خود بروز داد که پیش از آن در کاظمین تجربه کرده بود. کتابی که از وی در نجف به سال ۱۳۱۶ / ۱۳۵۶ در دو مجلد با عنوان آلدین فی طور الاجتماع انتشار یافت، نشان از افکار نوگرایانه او دارد. وی بعدها در ایران نیز از همکاران مستمر نشریه آیین اسلام و حاج سراج انصاری بود که علی القاعده این نیز به آشنایی آن دو در عتبات برمی گشت.

۳- شیخ مصطفی رهنما:

شیخ مصطفی رهنما از دیگر شخصیت‌های روحانی - مطبوعاتی ایرانی است که در نجف تحصیل می کرد و به کاظمین می رفت. وی از همانجا مقالاتی برای نشریه آیین اسلام در ایران می فرستاد. وی در خاطراتش با اشاره به مرحوم شهرستانی می نویسد: من با ایشان مأنوس بودم و هر وقت نزد وی می رفتم، از من استقبال می کرد. (خاطرات شیخ مصطفی رهنما، ص ۲۷). وی از سال ۱۳۲۶ش/۱۳۶۶ ق به ایران برگشت، بیش از همه در زمینه مسائل جهان اسلام به ویژه فلسطین مشغول به فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی شد.

برگرفته از:

سایت کتابخانه تخصصی تاریخ (باتلخیص)

شهرستانی بود. مقاله "منهاج الاصلاح الروحانی" سیدهبیت‌الدین هم توسط حاج سراج ترجمه و در مجله آیین اسلام (سال ۲، ش ۲۹ و ۳۰) منتشر شد. این مقاله، طرحی اساسی و مهم برای اصلاح نظام روحانیت به ویژه کمک به تقویت ساختار تبلیغی آن بود.

۲- شیخ محمدباقر کمره‌ای:

یک نمونه دیگر مرحوم شیخ محمدباقر کمره‌ای (۱۲۸۴ش/۱۳۲۳ق ۱۳۷۴-ش) است که وی نیز سالها در عتبات و به ویژه کاظمین به سر برده و متأثر از مکتب سیدهبیت‌الدین بود. وی از شاگردان حاج شیخ عبدالکریم حائری بود که پس از چندی به اصفهان رفت و سپس در سال ۱۳۰۸ش/۱۳۴۸-۱۳۴۷ ق عازم عتبات شد. وی در نجف تحصیل می کرد؛ اما از آن روی که برخی از کارهایش را در کاظمین به انجام رسانده، دست کم مدتی را در این شهر بوده است. وی در همین شهر مجلد اول کتاب آلام الحسین از علایی را به فارسی ترجمه کرد که در سال ۱۳۱۹ش/۱۳۵۹ق در ایران منتشر شد.

کمره‌ای که بعد از بازگشت به ایران، در فضای باز مطبوعاتی پس از شهریور بیست

جهاتی مکلف به عمل به آن می‌داند... و قانون هم آن است که با روحیه اکثر اهالی وفق دهد. به علاوه اهالی ایران هم چون مجلس مشروطه را مشروعه تلقی کرده، در پرداخت مالیات بیش از پیش ساعی، بلکه خود را عهده‌دار شرعی و عرفی خواهند دانست، قطعی است در همچو صورتی برای دولت هم تفاوت کلی در عایدات و سهولت در وصولات رخ خواهد دارد و برای مردم هم بی‌انتفاع نخواهد بود؛ لذا موضوع کاملاً به مصلحت شرع و مملکت است و در صورتی که تحت نظر اولیای شرع و دولت اقدام به اصل موضوع و انتخاب مجتهدین جامع‌الشرایط که عارف به مصالح ملت و مقتضیات زمان باشد بشود، هیچ گونه ضرری بر آن متصور نیست ان شاء الله تعالی. هبت‌الدین الحسینی.

جشن مبعث سال ۲۳ که گزارش آن در آیین اسلام (سال اول ش ۱۹، ص ۳) آمده و از طرف جمعیت‌های متحده اسلامی برگزار شد، با عنوان ریاست عالی‌ه مرحوم سیدهبیت‌الدین شهرستانی برگزار گردید که علی القاعده پشت صحنه آن همین حاج سراج انصاری بود. جالب است که در این مجلس شیخ محمدباقر کمره‌ای نیز سخنرانی کرد که او نیز متأثر از مرحوم

شهرستانی پرسیده که آنان بر لزوم اجرای آن نظر داده‌اند (آیین اسلام، سال ۴، ش ۶، ص ۴). متن این پاسخ را برای آشنایی با آرای مرحوم شهرستانی نقل می‌کنم.

علامه شهرستانی در پاسخ پرسش نوشتند: سؤال کتبی که از نظر داعی راجع به اصل دوم متمم قانون اساسی دولت مشروطه ایران نموده‌اید، در جواب آن عرضه می‌دارد: پوشیده نیست که وضع این ماده قانون، اساساً با سعی و اهتمام جمعی از فحول علمای اعلام و حجج اسلام و علاقه‌مندان به دیانت و مملکت بوده و بدیهی است با جلب موافقت دولت وقت، راه ضرر آن از هر جهت مسدود و منافی هم برای تشدید مبانی شرعی و تحکیم اساس دولت اسلامی تصور می‌شود؛ چه، اینکه در مملکت اسلامی مثل مملکت ایران که در قانون اساسی آن تصریح شده قوانینی که مخالفت با شرع اسلام داشته باشد قابل اجرا نیست، بدیهی است که تمیز در این امر مهم، وجود خبره و اهل فن را لازم دارد و آن هم غیر از مجتهدین نخواهد بود؛ خصوصاً اهالی ایران که دارای مذهب مقدس جعفری هستند، قوانین مصوبه‌ای که از نظر علما گذشته باشد، به دیده احترام نگریده و خود را از

در دیدار با رسول جعفریان عنوان شد؛

آیت الله سیستانی، کتاب

"علی‌نامه" مرزنده کرد

حضرت آیت الله سیستانی از مراجع تقلید شیعیان، ضمن اظهار شگفتی از نوشته شدن کتاب "علی‌نامه" پنجاه سال پس از سرایش شاهنامه، گفت: کتاب علی‌نامه مرزنده کرد.

حجت‌الاسلام رسول جعفریان رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، در بیان خاطره خود از دیدار با آیت الله العظمی سیستانی به بیانات ایشان درباره کتاب علی‌نامه پرداخت و اظهار رضایت زیاد این مرجع بزرگ تقلید را از چاپ این نسخه نفیس که نخستین تجربه شعر حماسی شیعی است بیان کرد.

وی می‌نویسد: آیت الله سیستانی از چاپ "علی‌نامه" ستایش کردند و فرمودند من کتاب زیاد می‌خوانم اما این کتاب را کنار دستم گذاشته‌ام. این کتاب مرزنده کرد. از مقدمه آن تعریف کردند و فرمودند که من با پدر آقای شیعی کدکنی آشنایی داشتم.

وی ادامه می‌دهد: سپس برخی از نکات مقدمه را بیان کرده و از این که احتمال داده شده که اشعاری بعداً اضافه شده از محققان آشنا به این متون خواستند که روی متن کار کنند که کدام یک اصل و کدام یک الحاقی است. تأکید ایشان این بود که یک همچنین کتابی بعد از پنجاه سال از تألیف شاهنامه بسیار اعجاب دارد. "علی‌نامه" اثری است که به سبک شاهنامه فردوسی به نظم در آمده و مربوط به اواخر قرن پنجم هجری است.

این کتاب درباره دل‌آوری‌های حضرت علی (ع) در جنگ‌های صدر اسلام است.

نسخه اصلی این اثر در موزه قونیه است و سال گذشته با مقدمه محمدرضا شفیعی کدکنی و مقاله‌ای دیگر (به زبان انگلیسی) از محمود امیدسالار به صورت رنگی در تهران منتشر شد. ربیع این منظومه را در بحر متقارب یعنی همان وزن حماسی و به زبان فارسی سروده است.

غلامرضا اعوانی:

ایران بدون اندیشمندان اسلامی دستخوش طالبانیسم می‌شد



برخی کشورهای اسلامی، نتیجه تفکر اشعری و ضد عقلانی است، اظهار داشت: در این کشورها تفکر حکمت غالب نبوده و تفکرهای ضد عقلی جریان داشته است و به همین دلیل، هر روز در جهان اسلام، اتفاقات مغایر با سیره نبوی روی می‌دهد.

عضو هیأت امنای بنیاد بوعلی سینا ادامه داد: ایران به دلیل توسل به حکمت متعالیه - که ثمره منطوق اسلام است - در هر عصر و مکتبی از تفکرات متحجرانه و ضد فلسفی دور بوده است. اگر بزرگان دین و اندیشمندان اسلامی در ایران حضور نداشتند، ما نیز باید آفتی همچون طالبان را تجربه می‌کردیم. تفکر طالبانی بر ما غلبه نکرده است، چرا که حکمت و دانش همواره در سرزمین ما جاری و ساری بوده است.

غایت علوم انسانی در سایه تنافس مراکز علمی با یکدیگر میسر می‌شود

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، "حکمت" و "فلسفه" را مادر همه دانش‌ها خواند و گفت: هر جا که علوم فلسفه جریان داشته باشد، سایر علوم نیز حضور پیدا می‌کنند و بارور می‌شوند.

اعوانی با بیان اینکه رواج گرایش‌های ضد عقلی باعث نابودی علوم می‌شود، اظهار داشت: کشور ما زمانی دانشمندان بزرگی در جهان اسلام داشت، اما در مقطعی به دلیل حضور گرایش‌های ضد عقلی عرصه از آنها خالی شد و نه تنها پایه‌های فلسفه سست شد، بلکه زیربنای تمام علوم نیز متزلزل شد. یکی از مشخصات و ویژگی‌های مشخصه فرهنگ ایرانی اسلامی این است که حامل حکمت معنوی الهی و حکمت خالده است.

وی با تأکید بر اینکه دردهای بشریت امروز از نوع معنوی و مربوط به خلأ معنویات است، گفت: اگر کسی این قدرت خارق‌العاده را دارا باشد که بتواند با زبان امروز با بشریت صحبت کند، موفق به ایجاد تحول در جهان می‌شود. متأسفانه از این قابلیت بالقوه غفلت کرده‌ایم و به این سرمایه فرهنگی توجهی نداریم.

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، گرایش‌های ضد فلسفی "وها بیت" و "طالبانیسم" را نتیجه تفکر اشعری دانست و گفت: اگر اندیشمندان اسلامی در ایران حضور نداشتند، ما نیز آفتی همچون طالبان را تجربه می‌کردیم.

غلامرضا اعوانی، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در پاسخ به سؤال فارس مبنی بر اینکه با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیکی و وجود عرفان‌های متنوع در عصر حاضر، پرداختن به علوم فلسفی تا چه میزان از اهمیت برخوردار است، گفت: همانطور که بشر در همه حالات و اعصار به اخلاقیات نیاز دارد، اندیشیدن و تعقل نیز از نیازهای آدمی است.

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران افزود: تأکید بر اندیشیدن به شیوه شرقی برای این است که منطوق فلاسفه ایرانی، اندیشه شرق را چنان مطرح کند که در مقابل تفکر غرب مصون بماند و بیمه شود.

رئیس انجمن بین‌المللی فلسفه اسلامی با بیان اینکه ایران در تولید علم و دستیابی به فناوری در بین کشورهای اسلامی حرف اول را می‌زند، گفت: فلسفه اسلامی با نام ایران معنا پیدا می‌کند و در بین کشورهای جهان از شأن و منزلت خاصی برخوردار است. اما متأسفانه برخی افراد به این موضوع توجه ندارند. فلسفه در ایران در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی از یک حیات دائمی و پویایی همیشگی برخوردار است.

رئیس انجمن بین‌المللی فلسفه اسلامی با تأکید بر اینکه عمق حکمت مشرقیه، بیشتر از فلسفه غرب است، تصریح کرد: فلسفه غربی از دیدگاه حکمت مشرقیه قابل نقد است. فلسفه اسلامی که ادامه راه ابن‌سینا و حکمت مشرقیه است، تمام حکمت‌های الهی را در برمی‌گیرد و آنچنان کامل می‌شود که نه شرقی و نه غربی، بلکه جاودان و جهانی است.

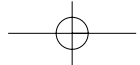
اعوانی با تأکید بر اینکه رواج گرایش‌های ضد فلسفی مانند "وها بیت" و "طالبانیسم" در

رئیس انجمن بین‌المللی فلسفه اسلامی با تأکید بر جهانی بودن علم و دانش در دنیای امروز گفت: اگر کتاب‌های خوبی نوشته شود و سخنان مناسب و نیکو بیان شود، تمام بشریت را مخاطب خود قرار می‌دهد و دهکده جهانی امروز، نیاز به حکمت متعالیه دارد.

اعوانی، محدود کردن مراکز فلسفی و علوم عقلی در یک مؤسسه یا دانشگاه را برابر نابودی استعدادها در عرصه کنونی دانست و گفت: استعدادهای درخشان بسیاری در کشور حضور دارند، اما استفاده مطلوبی از آنها نمی‌شود. باید شیوه استفاده از این استعدادها را اصلاح کرد تا به مرحله شکوفایی برسند.

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران ادامه داد: همواره از این بابت که گاهی اوقات، توجه مناسب به افراد عالم و دانشمند و ناشناخته در کشور نمی‌شود، تأسف می‌خورم، چرا که این موضوع فرار مغزها را در پی دارد. وی ضمن بیان ضرب‌المثل "با یک گل بهار نمی‌شود"، گفت: همه باید دست به دست هم دهیم تا در راه اعتلای علوم انسانی در کشور گام‌های مؤثری برداشته شود.

اعوانی در پایان با اشاره به آیه "وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَفَّسْ الْمُتَنَفِّسُونَ" گفت: قرآن انسان‌ها را به پیشی گرفتن از یکدیگر دعوت می‌کند. مؤسسات، نهادها و مراکز علمی کشور باید با یکدیگر تفاهم و تنافس داشته باشند تا غایت مطلوب علوم انسانی دست‌یافتنی شود.



آثاری از شاعر گرانمایه؛ دکتر سید علی موسوی گرمارودی

... به نظر من، کم‌دی، چه در شعر، چه در نثر و چه در هنر نمایش، به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود: طنز، هزل، هجو و هر یک از این سه، زیر مجموعه‌هایی دارد.

... طنز و زیرمجموعه‌های آن، قفلک ارواح والا (= فرزندگان و فرهیختگان) به قصد آگاه کردن شادمانان آنها از موضوعی است.

هزل و زیرمجموعه‌های آن، قفلک ارواح اشخاص معمول و میانه برای آگاه کردن شادمانه یا صرفاً برای خندانیدن آنهاست که گاهی از حد قفلک در می‌گذرد و نیشگون می‌شود...

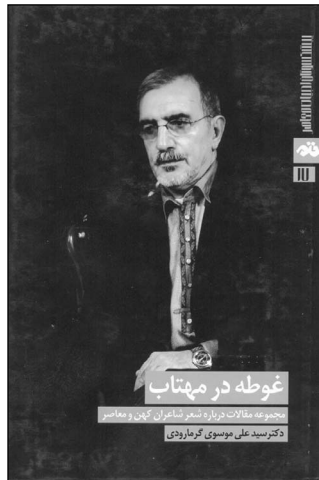
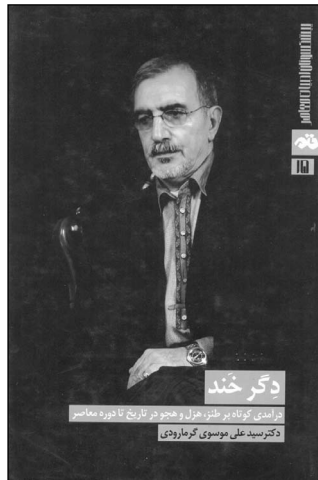
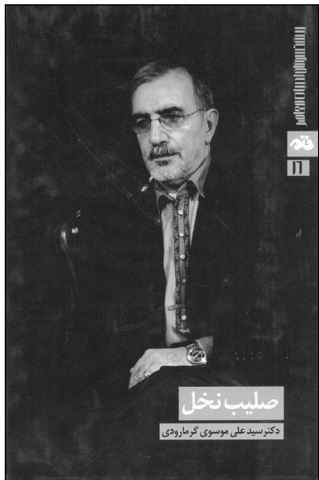
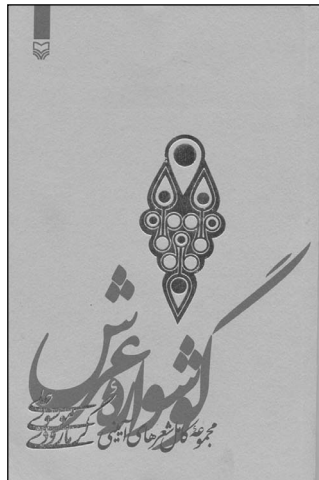
ولی هجو و همه زیرمجموعه‌های آن، تازیانه است و فقط پوست کلفت‌ها از آن احساس قفلک می‌کنند... از مقدمه کتاب ص ۱۴ تا ۱۶ درباره این کتاب مؤلف خود در مقدمه آن چنین می‌نویسد:

به تخیل، جز در حواشی و توصیف زمان و مکان اجازه جولان ندادم. به ویژه در نقل اقوال از آنجا که گویندگان آنها، از بزرگان دین بودند، پس و پیشی روا نداشته‌ام.

این رعایتها، در این گونه مطالب اسلامی، برای کسی که نمی‌خواهد آداب دین را فدای آداب نگارش داستان کند، الزامی است. اما بر اصحاب دقت پوشیده نیست که تا چه حد، دست نویسنده را در پرداخت داستان‌های بنده و تا چه اندازه فراهم آوردن داستانی خواندنی و ماندنی از چنین منابع، متعسر یا دست کم سهل‌ممتنع است. از آنجایی که داستان‌ها همه از قرن‌های نخستین اسلامی است اندکی با نثر آراکائیک نوشته شد تا قالب و محتوا حتی المقدور همسانی و همسویی یابند.

در پایان، این یادآوری بی‌جا نیست که به هر حال، این بضاعت مزجات، دستاورد ایام جوانی صاحب این قلم است. شاید اگر امروز دوباره آن را می‌نوشتیم، اگر نه بهتر، باری به لونی دیگر می‌نگاشتیم. اما هیچ کس را از کرده خویش گریز و گزیر نیست...

سلامتی و مزید توفیقات استاد گرمارودی را از خدای بزرگ خواستاریم.



چند مقاله هم در کتاب اقلم انداز: نشر سروش، تهران (۱۳۷۵) چاپ شده بوده‌اند.

ولی برخی از آنها نیز نخست بار در همین مجموعه، آمده‌اند. گاهی درباره شعر یک شاعر، چند مقاله مختلف، نوشته شده است. این مقالات از آن رو که همه درباره شعرند، یکدستند و همگرایی دارند و در همانحال چون مربوط به برخی شعری گذشته و معاصرند، از تنوع برخوردارند. مقالات به ترتیب چاپ در این مجموعه، مربوط اند به: زبان فارسی و نخستین شاعر پارسی زبان، فردوسی، انوری، حافظ، عرفی شیرازی، بیدل دهلوی، اقبال لاهوری، صدرالدین عینی شاعر تاجیک، خلیل الله خلیلی شاعر افغانی، پروین اعتصامی، محمود منشی، نعمت آرم، علی اشتری، نوذر پرنک، حسین منزوی، بهزاد کرمانشاهی، مشفق کاشانی، محمدعلی بهمنی، خسرو احتشامی، نیما، اخوان، سپهری، صفارزاده، حسن حسینی، قیصر امین پور، جواد محبت، محمدرضا عبدالملکیان، زرویی نصر آباد و سرانجام متنی.

...روانشناسان برآنند که افراد هوشیارتر، دیرتر به خنده می‌افتند، یا به تعبیر دیگر، سوژه‌های خنده‌انگیز برای هوشیاران، محدودتر از دیگران است.

مولوی در دیوان شمس می‌فرماید:

عشق آموخت مرا، شکل دگر خندیدن

من از همین واقعیت استفاده کرده و انواع و درجات کم‌دی و هم خانواده‌های معنایی آنها یا به تعبیر بهتر، زیر مجموعه‌های آنها را مشخص کرده‌ام...

ادبی شد.

- در شهریور ۱۳۵۲ به وسیله مأموران امنیتی رژیم شاه دستگیر و شکنجه و سپس نزدیک به چهار سال در زندان ماند.

- در سال ۱۳۵۶ در زمره نخستین دسته از زندانیان سیاسی بود که با تحمل ده ماه زندان اضافی آزاد شد.

- در سال ۱۳۵۷ چاپ دوم مجموعه شعر «عبور و نیز انتشار مجموعه شعرهای در سایه سار نخل ولایت و سرود رگبار» انجام یافت.

- از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی تاکنون به امور فرهنگی مختلف از ترجمه قرآن مجید و صحیفه سجادیه تا شعرخوانی برای رزمندگان در پشت جبهه‌ها تا شرکت در کنگره‌های شعر و تألیف کتب ادبی و سرودن شعر و نوشتن مقالات پرداخته است.

اینک به معرفی اجمالی چند اثری که به کتابخانه «بعثت» اهداء نموده‌اند، می‌پردازیم:

غوطه در مهتاب مجموعه ۳۲ مقاله دکتر سید علی موسوی گرمارودی در بررسی شعر شاعران فارسی زبان قدیم و جدید است. (جز آخرین مقاله که نگاهی است به شعر متنی شاعر عرب) و به ترتیب سیر سنی، مرتب شده‌اند.

برخی از این مقالات، مفصل‌ترند چون مقاله‌های مربوط به عرفی شیرازی، پروین اعتصامی، بیدل دهلوی، قیصر امین پور و برخی کوتاه‌تر چون مقاله مربوط به اقبال لاهوری.

این مقالات غالباً قبلاً در مجله‌های ادبی (و

این هفته کتابخانه «بعثت» با وصول چند جلد از آثار استاد گرانمایه، جناب آقای دکتر سید علی موسوی گرمارودی شاعر گرانمایه مزین گردید و به همین مناسبت ضمن «آشاره‌ای کوتاه به زندگی پر بار جناب گرمارودی، به معرفی مختصر آثار واصله (با توجه به کمی صفحات) می‌پردازیم. «بعثت»

- سید علی موسوی گرمارودی، در ۳۱ فروردین ۱۳۲۰ در محله چهارمردان قم به دنیا آمد.

- دوره‌ی ابتدایی و دبیرستان را در قم گذراند. سپس برای دیدن دوره‌ی ادبیات عربی در محضر استاد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری رفت و نیز آموختن برخی علوم اسلامی دیگر. در سال ۱۳۳۸ به مشهد مقدس رضوی رفت و تحت سرپرستی علمی دوست پدرش مرحوم آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی قرار گرفت.

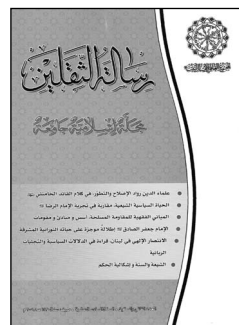
- در سال ۱۳۴۲ در تهران به عنوان معلم در دبستان و سپس دبیرستان علوی به کار پرداخت.

- در سال ۱۳۴۵ - ۱۳۴۴ به دانشگاه تهران برای تحصیل در رشته حقوق وارد و در سال ۱۳۴۸ لیسانس گرفت.

- و سپس فوق لیسانس و دکترا را در رشته زبان و ادبیات فارسی اخذ کرد.

- در مهرماه ۱۳۴۷ شهر «خاستگاه نور» او در مسابقه کشوری مجله ادبی یغما به مناسبت آغاز پانزدهمین قرن بعثت پیامبر اکرم (ص)، برنده جایزه اول در رشته شعر نو نیمایی گردید و آغاز شهرت شاعری او در سطح کشور و سپس محافل

شماره جدید مجله رساله‌الثقلین



الف) مشخصات مجله

صاحب امتیاز: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)
مشرّف عام: حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد حسن اختری (دبیرکل مجمع)
مدیرمسئول: زیرنظر معاونت امور فرهنگی - اداره امور مجلات

سر دبیر: حجت الاسلام والمسلمین شیخ معین دقیق
ترتیب انتشار: فصلنامه (سه ماه یکبار)

ب) فهرست مطالب شماره جدید

- ۱- فرهنگ تکفیر و موضع علما در برابر آن / هیئت تحریریه مجله
- ۲- دانشمندان دینی، پیشگامان اصلاح و پیشرفت در سخن رهبری / جمع آوری: احمد حسن
- ۳- زندگی سیاسی شیعه، با الگوی تجربه امام رضا (علیه السلام) / تألیف: نبیل علی صالح
- ۴- مبانی فقهی مقاومت مسلحانه؛ زیربناها، ریشه‌ها و عناصر / تألیف: شیخ محمد مهدی آصفی

ویژه نامه نواب به زبان عربی منتشر شد

سیصد و بیست و دومین شماره نشریه الوحده با ویژه نامه نواب از سوی بنیاد اندیشه اسلامی وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به زبان عربی چاپ و منتشر شد.

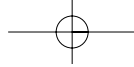
به گزارش خبرگزاری رسا، سیصد و بیست و دومین شماره نشریه الوحده با ویژه نامه نواب از سوی بنیاد اندیشه اسلامی وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به زبان عربی چاپ و منتشر شد.

در بخشی از این ویژه نامه از زبان رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌خوانیم: «نواب اولین کسی بود که جرعه انقلاب را در وجود من دمید».

نواب صفوی پیشگام جنبش اسلامی بود که به انقلاب اسلامی در ایران منتهی شد، نقش نواب در بیداری سایر ملل مسلمان، نواب و نیروهای آزادیبخش مسلمان در جهان عرب، سیره و زندگی نواب صفوی و نقش آن در حیات سیاسی ایران قبل از انقلاب، نقش نواب در حوادث ملی کردن صنعت نفت، گفتگو با محمد مهدی عاکف دبیر کل سابق جنبش اخوان المسلمین مصر، شهید صدر از حجت الاسلام والمسلمین محسن اراکی و عراق پس از انتخاب پارلمانی ۲۰۱۰ از جمله مطالب منتشر شده در این ویژه نامه است.

مجله الوحده عربی از سوی بنیاد اندیشه اسلامی با مدیر مسؤلی مهدی گلجان منتشر می‌شود.

- ۵- تحقیق در روایاتی که با آنها هشام بن حکم متهم به تشبیه شده است / تألیف: شیخ یحیی الدوخی
- ۶- نگاهی کوتاه بر زندگی نورانی امام صادق (علیه السلام) / تألیف: شیخ علی محسن
- ۷- نگاهی بر سیره عطرآگین حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) دختر امام موسی بن جعفر (ع) / تهیه و تنظیم: گروه مناسبات دینی مجله
- ۸- پیروزی الهی در لبنان از نظر دلالت‌های سیاسی و امداد‌های ربانی / تألیف: شیخ یوسف موسی رضا
- ۹- شیعه و اهل سنت و چالش‌های حکومتی / تألیف: دکتر احمد راسم النقیس
- ۱۰- متهم به بدخواهی اسلام کیست؟ / تألیف: شیخ هلال آل فخر الدین
- ۱۱- اشکالات اخلاقی رایج در جوامع اسلامی معاصر و راه‌های علاج آن / تألیف: خانم زهرا محمد مرادی
- ۱۲- نگرشی آماری و نگاهی تاریخی / جمع آوری: هیئت سردبیری مجله
- ۱۳- بیانیه مجمع جهانی اهل بیت (ع) پیرامون حوادث صعده (یمن) / ترجمه هیئت تحریریه



آیت الله جوادی آملی:

جامعه را باید با احترام اداره کرد نه با ترحم

اندازه کافی منابع داریم، اما نیازمند هنر مدیریت هستیم تا بتوانیم از آن به درستی استفاده کنیم.

آیت الله جوادی آملی خطاب به رئیس سازمان تأمین اجتماعی خاطر نشان کردند: البته شما گوشه‌ای از کار را بر عهده دارید و وظیفه اصلی با کسانی است که برنامه‌های کلی دست آنهاست. ایشان اظهار داشتند: این مال، مال دولت نیست و شما تنها توزیع کننده اید و نمی‌توانید بر مردم توقعی داشته باشید.

کردن بیشتر است که در قرض الحسنه، احترام فرد بیشتر حفظ می‌شود.

ایشان در ادامه اظهار داشتند: جامعه‌ای حقیقتاً تأمین اجتماعی دارد که تأمین شغلی دارد؛ چرا که فردی که حقوق دارد به شما پول می‌دهد و شما هم روزی به او یاری می‌رسانید، اما در جامعه بدون شغل شما صدقه می‌دهید. ایشان با اشاره به این کلام حضرت علی(ع) که: «ملت‌ی که آب و خاک دارد، اما غذای خود را از دیگران می‌گیرد از رحمت حق دور است»، گفتند: ما به

به احساس حقارت تبدیل می‌شود. آیت الله جوادی آملی با اشاره به این که خداوند می‌فرماید که انسان را با دو دستم خلق کرده‌ام، خاطر نشان کردند: خداوند که از داشتن دست منزّه است، لکن این کلام نشان دهنده جلال و ظرافت انسان در نگاه خدا و تکریم او نسبت به این آفریده است.

این استاد حوزه با بیان این که انسانی که احساس کرامت نکند آینده‌ای ندارد، افزودند: به این دلیل می‌گویند قرض الحسنه ثوابش از رایگان کمک

جامعه را از منظر احترام تأمین کنیم. آیت الله جوادی آملی ادامه دادند: اگر بخواهیم فقرزدایی کنیم، جامعه را فقط از منظر ترحم نگریسته‌ایم. وقتی جامعه را حقیقتاً تأمین کرده‌ایم که بتواند بر روی پای خود بایستد.

ایشان اظهار داشتند: الان آقایان بازنشسته از شما کریمانه حقوق می‌گیرند، چرا که روزی این پول را به شما داده‌اند؛ اما اگر جامعه احساس کند که کار شما هم مثل بهزیستی یا شیرخوارگاه است، این حالت کریمانه

آیت الله جوادی آملی اداره جامعه را با ترحم، هنر ندانستند و گفتند: جامعه را باید با احترام اداره کرد.

به گزارش مهر، آیت الله عبدالله جوادی آملی در دیدار رئیس سازمان تأمین اجتماعی کشور با بیان این مطلب خاطر نشان کردند: غذا دادن و حل مشکلات از راه ترحم، در نظر نگرفتن حیثیت جامعه است. ایشان افزودند: ما تا وقتی کارمان مبنای علمی نداشته باشد، در حد یک عمل معمولی است و آن کار پر برکت اسلامی نخواهد بود، ما باید

حضرت آیت الله سید عزالدین حسینی زنجانی:

تفسیر قرآن، محور درس‌های حوزه قرار گیرد

دارند لذا بر خود واجب می‌دانم که قرآن را برای ایشان تفسیر کنم و اشکالات آنها را پاسخ دهم.

حضرت آیت الله سید عزالدین زنجانی همچنین درباره شخصیت قرآنی آیت الله نهانوندی(ره) صاحب تفسیر نفحات الرحمن گفت: این عالم بزرگ با مواظبت خود همواره طلاب را در مسیر علمی و معنوی راهنمایی می‌کردند.

مؤلف «تفسیر سوره مبارکه حمد» بیان داشت: حاج شیخ علی اکبر نهانوندی بر اساس احساس تکلیف مستمراً منبر می‌رفتند و با بیان شیوای قرآنی مواظبت ارزشمندی را برای طلاب بیان می‌کردند که من هم در این جلسات حضور می‌یافتم.

امام صادق(ع) قبل از تلاوت قرآن کریم آمده است «خدایا هنگام تلاوت قرآن قلب ما را ذکاوتی خاص ببخش تا عجایب آن را درک کنیم و درباره عجایب قرآن تفکر و تدبیر کنیم.»

معظم له با اشاره به سخن استاد خود مرحوم علامه طباطبایی در مورد اهمیت پاسخگویی به سئوالات عقیدتی و فکر جوانان گفت: علامه طباطبایی می‌فرمودند من هم قدرت این را دارم که حلقه‌ای علمی از دانش پژوهان حوزه را دور خودم جمع کنم و رساله‌ای بنویسم و در جایگاه مرجعیت قرار گیرم، اما می‌بینم که جوان‌های روشنفکر متدین، از حوزویان انتظار پاسخگویی به سئوالات قرآنی را

تفسیر آیات الاحکام قرآن همیشه محور احکام بوده است.

این مرجع عالی قدر شیعه افزود: دانش پژوهان باید یقین داشته باشند قرآن دریایی بی پایان است و هر قدر انسان در آیات قرآن کریم فکر و تدبیر کند، تحیرش بیشتر خواهد شد.

ایشان در ادامه یادآور شدند: من با سالیان سال تجربه علمی عقیده‌ام این است که آیات قرآن «بفسر بعضه بعضا» است و هر انسانی که با طهارت معنوی و تقوای آیه‌ای را مورد تدبیر قرار دهد خداوند معانی دقیق آن آیه را به وی الهام خواهد کرد. این مفسر عالی قدر قرآن کریم افزود: در دعای

حضرت آیت الله سید عزالدین حسینی زنجانی در گفتگو با خبرنگار ایرانی گفت:

سال‌ها فقه و اصول محور اصلی درس‌های حوزوی بوده و اصلاً تفسیر قرآن کریم در حوزه‌های علمیه جدی گرفته نشده است. ایشان با اشاره به این مطلب افزود: متأسفانه در مسیر آموزش دانش پژوهان حوزه کوتاهی شده و حوزویان آن گونه که باید در حوزه قرآن فعالیت نکرده‌اند.

ایشان در بخش دیگری از بیانات خود فرمود: با کمال شرمندگی عرض می‌کنم در گذشته تصور می‌شد اگر کسی تفسیر قرآن را تعقیب کند، این امر نشان از ناتوانی علمی آن فرد است در حالی که

علامه جعفری و ازدواج با زیباترین دختر دنیا

(مدیر) را خطاب به آقا شیخ حیدر، گفت: آقا دیگر از این شوخی‌ها نکن، ما را بد آزمایش کردی. این از خاطرات بزرگ زندگی من است.

گفت: آقا شیخ حیدر گفتی زیارت آقا مستحبی است؟ گفتی آن هم شرعی صد در صد؟ آقا شیخ حیدر گفت: بلی. گفت: والله چه عرض کنم. (باز هم خنده حضار)

نفر پنجم من بودم. این کاغذ را دادند دست من. دیدم که نمی‌توانم نگاه کنم، کاغذ را رد کردم به نفر بعدی، گفتم: من یک لحظه دیدار علی(ع) را به هزاران سال زناشویی با این زن نمی‌دهم. یک وقت دیدم یک حالت خیلی عجیبی دست داد. تا آن وقت همچو حالتی ندیده بودم. شبیه به خواب و بیهوشی بلند شدم. اول شب قلب‌الاسد وارد حجره‌ام شدم، حالت غیرعادی، حجره رو به مشرق دیگر نفهمیدم، یک‌بار به حالتی دست یافتم. یک‌دفعه دیدم یک اتاق بزرگی است یک آقای نشسته در صدر مجلس، تمام علامات و قیافه‌ای که شیعه و سنی درباره امام علی(ع) نوشته در این مرد موجود است. یک جوانی پیش من در سمت راستم نشسته بود. پرسیدم: این آقا کیست؟ گفت: این آقا خود علی(ع) است، من سیر او را نگاه کردم. آمدم بیرون، رفتم همان جلسه، کاغذ رسیده دست نفر نهم یا دهم، رنگم پریده بود. نمی‌دانم شاید مرحوم شمس آبادی بود خطاب به من گفت: آقا شیخ محمدتقی شما کجا رفتید و آمدید؟ نمی‌خواستم ماجرا را بگویم، اگر بگم عیششون بهم می‌خوره، اصرار کردند و من بالاخره قضیه را گفتم و ماجرا را شرح دادم، خیلی منقلب شدند. خدا رحمت کند آقا سیداسماعیل

ازدواج کنید (از همان اولین لحظه ملاقات عقد جاری شود و حتی یک لحظه هم خلاف شرع نباشد) و هزار سال هم زندگی کنید، با کمال خوشرویی و بدون غصه، یا این که جمال علی(ع) را مستحجاباً زیارت و ملاقات کنید، کدام را انتخاب می‌کنید. سوال خیلی حساب شده بود. طرف دختر حلال بود و زیارت علی(ع) هم مستحبی. گفت: آقایان واقعیت را بگویید. جانماز آب نکشید، عجله نکنید، درست جواب دهید.

اول کاغذ را مدیر مدرسه گرفت و نگاه کرد و خطاب به پسرش که در کنارش نشسته بود با لهجه اصفهانی، گفت: سیدمحمد! ما یک چیزی بگویم نری به مادرت بگویی‌ها؟ معلوم شد نظر آقا چیست. شاگرد اول مانده‌اش را گرفت! همه زدند زیر خنده. کاغذ را به دومی دادند. نگاهی به عکس کرد و گفت: آقا شیخ علی، اختیار داری، وقتی آقا (مدیر مدرسه) این طور فرمودند مگر ما قدرت داریم که خلافش را بگویم. آقا فرمودند دیگه! خوب در هر تکه خنده راه می‌افتاد.

نفر سوم گفت: آقا شیخ حیدر این روایت از امام علی(ع) معروف است که فرموده‌اند: «یا حارث حمدانی من یمت یرنی» (ای حارث حمدانی هر کی بمیرد مرا ملاقات می‌کند)

پس ما ان شاء الله در موقعش جمال علی(ع) را ملاقات می‌کنیم! باز هم همه زدند زیر خنده، خوب اهل ذوق بودند. واقعاً سوال مشکلی بود. یکی از آقایان

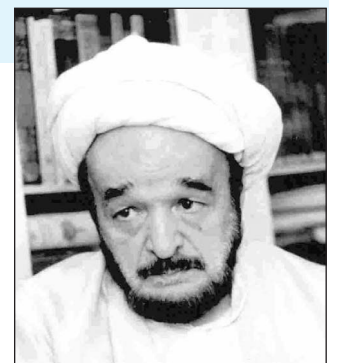
اطراف نجف باتلاقی درست شده بود و پشه‌هایی به وجود آمده بود که عرب‌های بومی را اذیت می‌کرد. ما ایرانی‌ها هم که، اصلاً خواب و استراحت نداشتیم. آن سال آنقدر گرما زیاد بود که اصلاً قابل تحمل نبود نکته سوم این که حجره من رو به شرق بود. تقریباً هم مخروطی بود. من فروردین را آنجا به طور طبیعی مطالعه می‌کردم و می‌خوابیدم. اردیبهشت هم مقداری قابل تحمل بود، ولی دیگر از خرداد امکان استفاده از حجره نبود.

گرما واقعاً کشنده بود. وقتی می‌خواستم بروم از حجره کتاب بردارم مثل این بود که با دست نان را از داخل تنور برمی‌دارم، در اقل وقت و سریع! با این تعاریف این جشن افتاده بود به این موقع، در بغداد و بصره و نجف، گرما تلفات هم گرفته بود. ما بعد از شب نشستیم، شربت هم درست شد، آقا شیخ حیدر علی اصفهانی که کتابی هم نوشته بود به نام «شناسنامه خرد آمد»

مدیر مدرسه‌مان، مرحوم آقا سیداسماعیل اصفهانی هم آنجا بود. به آقا شیخ علی گفت: آقا شب نمی‌گذره، حرفی داری بگو، ایشان یک تکه کاغذ روزنامه در آورد.

عکس یک دختر بود که زیرش نوشته بود «اجمل بنات عصرها» (زیباترین دختر روزگار)، گفت: آقایان من درباره این عکس از شما سوالی می‌کنم.

اگر شما را مخیر کنند بین این که با این دختر به طور مشروع و قانونی



جام جم آنلاین: از علامه جعفری می‌پرسند چی شد که به این کمالات رسیدی؟! ایشان در جواب خاطره‌ای از دوران طلبگی تعریف و اظهار می‌کنند که هر چه دارند از کراماتی است که به دنبال این امتحان الهی نصیبشان شده: «ما در نجف در مدرسه صدر اقامت داشتیم. خیلی مقید بودیم، در جشن‌ها و ایام سرور، مجالس جشن بگیریم و ایام سوگواری را هم، سوگواری می‌گرفتیم. شبی مصادف شده بود با ولادت حضرت فاطمه زهرا(س) اول شب نماز مغرب و عشا می‌خواندیم و شربتی می‌خوردیم. آن گاه با فکاهیاتی مجلس جشن و سرور ترتیب می‌دادیم. آقای بود به نام آقا شیخ حیدر علی اصفهانی که نجف آبادی بود. معدن ذوق بود. او که می‌آمد من به الکفایه قطعاً به وجود می‌آمد جلسه دست او قرار می‌گرفت.

آن ایام مصادف شده بود با ایام قلب‌الاسد (۱۰ تا ۲۱ مرداد) که ما خرماپزان می‌گوییم و نجف با ۲۵ یا ۳۵ درجه خیلی گرم می‌شد. آن سال در

مجموعه سایت‌های مرکز:
سایت مرکز بررسی‌های اسلامی
www.iscq.ir
سایت استاد خسروشاهی
www.khosroshahi.org
سایت سید جمال‌الدین اسدآبادی:
www.moslehesargh.com
سایت تحلیلی - خبری بعثت
www.besatonline.com

بعثت
نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی
دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
سید هادی خسروشاهی
سر دبیر:
سید محمود خسروشاهی
دفتر مرکزی:
قم: خیابان شهدا (صفائیه) نبش ممتاز
تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳
صندوق پستی: ۱۳۶
چاپ: سپهر
پست الکترونیکی:
Besatonline@gmail.com

